

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [رادیو فردا](#)]

[تاریخ: ۳۰ آبان ۱۳۹۷]

مهتاب وحیدی راد

«محرومیت از تحصیل» و «ممنوعیت کسب و کار»؛ زندگی بهاییان در ایران

یکی در بازداشت موقت، دیگری در حال گذراندن محکومیت و برخی دیگر نیز در انتظار دادگاه و صدور حکم؛ جوان‌ترها محروم از تحصیل و مسن‌ترها در راهروهای ادارات دولتی در تلاش برای فک پلمب محل کسب و کارشان.

این شرایطی است که شهروندان بهایی در ایران دهه‌هاست به طور روزمره آن را زندگی می‌کنند.

در تازه‌ترین اقدام نهادهای امنیتی و قوه قضاییه ایران، مغازه بهاییان را در شهرهای اهواز، آبادان، خرمشهر و چند شهر دیگر پلمب کردند.

این صدای یک بهایی ست که با نام مستعار سروش با رادیو فردا گفتگو کرده است:

«سال پیش مغازه تمام بهایی های اهواز را به مدت تقریباً سه ماه، سه ماه و خرده‌ای پلمب کردند، و دلیلش این است که ما تعطیلات امری و عیدهایی که داریم، آن روز را کار نمی‌کنیم و مغازه‌هایمان را می‌بندیم و این‌ها به این دلیل که ما مغازه‌مان را بستیم، آن را پلمب کردند و گفتند که شما حق ندارید مغازه‌تان را ببندید و مغازه شما باید در تعطیلات امری‌تان باز باشد. بعد از حدود سه ماه، سه ماه و خرده‌ای مغازه را باز کردند.

امسال هم دقیقاً در همان زمانی که اعیاد امری ما بوده ما مغازه را بستیم و آن روز نرفتیم سر کار و این‌ها باز آمدند و مغازه را پلمب کردند و تا الان هم هر چه می‌رویم دادگاه، اصلاً جواب درستی نمی‌دهند، به ما نمی‌گویند به دستور کی بوده و به چه دلیلی بوده است. یک بار می‌گویند مسئولش نیست بروید فردا بیایید. یکبار می‌گویند منشی‌اش نیست یا منشی جواب نمی‌دهد... این طوری دارند ما را می‌دوانند و اذیت می‌کنند.»

موضوع پلمب محل کسب و کار بهاییان موضوعی است که دستیار ویژه رییس جمهور ایران در امور حقوق شهروندی، یک سال پیش وعده پیگیری آن را داده بود. شهیندخت مولاوردی آذرماه ۹۶ گفت: «در این باره اعلام‌هایی از معاون حقوقی رییس جمهور شده و این بحث را از طریق حقوقی پیش می‌بریم تا راهکاری برای آن بیابیم.»

از این سخنان خانم مولاوردی حدود یک سال می‌گذرد اما پلمب محل کسب و کار بهاییان همچنان ادامه دارد و تغییری در این وضعیت رخ نداده است.

ورقا، شهروند دیگری که مغازه‌اش به تازگی پلمب شده، در این باره می‌گوید:

«دلیلی که قوه قضاییه یا معاون دادستان اعلام کرده، این است که ما در تعطیلات دینی خودمان که ۹ روز در طی سال است، و حکم دینی داریم که تعطیل کنیم و کار کردن برای ما حرام است، فروشگاه‌هایمان را تعطیل می‌کنیم. از این ۹ روز، چند روزش در تعطیلات ملی ادغام شده است، مثل تعطیلات نوروز، و سه، چهار روزش که در طی سال ما معمولاً فروشگاه را تعطیل می‌کنیم.»

این‌ها به این قضیه به حکم تبلیغ نگاه می‌کنند. در صورتی که ما در روزهایی که تعطیل می‌کنیم، یا فرایض یومیهمان را انجام می‌دهیم، دعا می‌کنیم، یا کارهای خانوادگی‌مان را انجام می‌دهیم، خیلی‌هایمان مسافرت می‌رویم، مثل یک روز تعطیل معمول که بقیه می‌توانند داشته باشند. ما به ارگان‌های ذیربط مراجعه کردیم، هیچ کدام تا این لحظه جوابی نداده‌اند.

در شهرهای مختلف هم که اطلاع داریم از وابستگان و دوستانمان که جاهای دیگر هستند و اتفاقات مشابه برایشان می‌افتد، یک سیستم خیلی خاصی است و تصمیم‌گیری به نظر مسئولین شهری بستگی دارد. همه چیز سلیقه‌ای است. ما فروشگاه‌هایی را در شهرهای دیگر سراغ داریم که الان دو سه سال است که تعطیل اند.»

بهاییان دهه‌هاست که حق تصدی سمت‌های دولتی را ندارند اما در موارد بسیاری از انجام کسب و کارهای خصوصی توسط آنان نیز جلوگیری می‌شود. اقدامی که جامعه جهانی بهایی آن را «آپارتاید اقتصادی» می‌نامد.

سیمین فهدنژ سخنگوی جامعه جهانی بهایی در ژنو:

«آپارتاید مفهوم جداسازی و تبعیض است، و اگر به تاریخ آزار و اذیت بهاییان در چهل سال گذشته نگاه کنیم، می‌بینیم که دولت ایران دقیقاً همین کار را انجام داده و سعی کرده است آن‌ها را از جامعه جدا بکند و در حقیقت آن‌ها را از بین ببرد، و اینکه این تبعیضات با ادعاهای نمایندگان دولت ایران که در جوامع بین‌المللی صحبت می‌کنند، کاملاً تناقض دارد. در چندسال گذشته هم که آقای روحانی سر کار آمده، اصلاً این وضع تغییر نکرده و محرومیت‌های اقتصادی علیه جامعه بهاییان در ایران حتی بیشتر هم شده است.»

همزمان با پلمب محل کسب و کار بهاییان، طی روزهای گذشته تعداد دیگری از بهاییان هم در شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند. در کرج اصفهان و تبریز.

در این موارد نه نهاد بازداشت‌کننده معلوم است نه علت بازداشت. از وضعیت بازداشت‌شدگان هم خبر چندانی در دست نیست.

پیمان یکی از شهروندان بهایی که مادر، پدر و برادرش پیشتر بازداشت و به تحمل زندان محکوم شده‌اند، از شرایط بازداشت و بازجویی‌ها می‌گوید:

«زمانی که برادر و پدر بنده دستگیر شدند، مادر بنده برای گذراندن دو سال حکم زندانش قبلاً دستگیر شده و در زندان بود، و تنها عضو خانواده که بیرون از زندان بود، بنده بودم. هیچ‌گونه تماسی با اعضای خانواده نداشتند. فقط یک تماس کوتاه شاید انجام شد از طرف پدر بنده، گفتند من در داخل دفتر اطلاعات در انفرادی‌ام و حال خوب است، در همین حد. نمی‌توانستند هیچ‌گونه صحبتی بکنند. شکنجه جسمی نداشتند ولی شکنجه روحی بود.»

برادرم که تعریف می‌کند بعضی از آسیب‌های روحی و روانی به او وارد شده. مثلاً ساعت سه شب برادرم را می‌آوردند، چشم بند به او می‌زدند و می‌بردندش در یک اتاق و می‌خواستند مجرمی را شناسایی کنند. خب ترس و رعب و وحشتی که بر او وارد می‌شده خیلی شدید بوده است. تمام بازجویی‌ها با چشم بند بوده و رو به دیوار انجام شده است.»

علاوه بر اینها، طی ماه‌های اخیر شماری از جوانان بهایی از تحصیل در دانشگاه هم محروم شده‌اند. برخی از آنان مشغول به تحصیل بودند یا در آستانه فارغ‌التحصیل شدن، و به طور ناگهانی از دانشگاه اخراج شدند. افرادی مانند شکیبتموری، حنان حر، سها ایزدی، صدف وجدانی، آرش رضویان، سوگل ذبیحی، هومن ایمانی، شقایق شوقی و کیانا ثنایی.

مریم، نام مستعار یکی از این افراد است که در این باره به رادیوفردها می‌گوید:

«به من هیچ حکمی ندادند، و گفتند که من را منع تحصیل کرده‌اند و من هر چه از آن‌ها درخواست کردم که حکم من را به من بدهید گفتند نه، و فقط سایت من را بستند. بعد از دو ترم این‌ها غیابا برای من حکم اخراج صادر می‌کنند، با تلفن من اخراج شدم. هر چه علت را خواستم، به من هیچ علتی را نگفتند و بعد از این که با جناب نوربخش در سازمان سنجش صحبت کردم، که ایشان هیئت‌گزینش مرکزی هستند در سازمان سنجش، ایشان در اولین جمله گفت شما که خودتان می‌دانید، بهایی هستید و در ایران بهایی‌ها حق تحصیل ندارند. و از تحصیل محروم شدم به علت این

که متفاوت فکر می‌کردم. این‌ها به من گفتند بنویس مسلمان شده‌ای، و بنویس که تیری می‌کنی از بهائیت تا بتوانی برگردی دانشگاه و درس بخوانی. من گفتم که من در این بیست سال عقاید این است و چرا باید عقاید را به خاطر مدرک [تحصیلی] تغییر بدهم؟ گفتند این تنها راهی است که تو می‌توانی [به دانشگاه] برگردی.»

اما برخی دیگر از بهاییان فرصت ورود به دانشگاه را پیدا نمی‌کنند و در همان ابتدای ورود در مرحله کنکور از ادامه تحصیل آنان ممانعت به عمل می‌آید.

مرتضی اسماعیل‌پور فعال حقوق بشر که موضوع محرومیت از تحصیل بهاییان را پیگیری کرده می‌گوید این روند سال‌هاست که ادامه دارد:

«این که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند که شهروندان بهایی را شناسایی کند و اجازه ندهد به دانشگاه وارد شوند بر اساس فتوای خامنه‌ای و همین‌طور شورای عالی انقلاب فرهنگی، این روندی است که هر ساله انجام می‌شود و دانشجویان وقتی وارد سایت می‌شوند که نتیجه کنکورشان را چک کنند، با نقص در پرونده رو به رو می‌شوند و اشاره شده که با این نقص در پرونده، دانشجویان مراجعه می‌کنند به دفتر گزینش سازمان سنجش، و عمدتاً اجازه ورود به آن بخش را نمی‌دهند اما الان دانشجویهایی که مراجعه کرده‌اند با این پاسخ روبرو شده‌اند که صرفاً به خاطر مذهب و دینشان از ادامه تحصیل محروم شده‌اند. و نمی‌توانند پیگیری کنند، چون در قوانین جمهوری اسلامی حق تحصیل در مقاطع عالی برای دانشجویان بهایی منع شده است. این دانشجویان شکایت‌هایی هم انجام داده‌اند و راه‌های مختلفی را پیگیری کرده‌اند اما تا الان هیچ پاسخی نشده‌اند.»

و تمام اینها در حالی است که محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، اردیبهشت ماه در جلسه شورای روابط خارجی آمریکا در نیویورک گفت:

«بهایی بودن در ایران جرم نیست. ما بهایی بودن را به عنوان مذهب به رسمیت نمی‌شناسیم اما این یک عقیده است، مثل کسی که ممکن است به خدا باور نداشته باشد. ما او را به خاطر خداناباور بودنش به زندان نمی‌اندازیم.»

اظهاراتی که انتقاد گسترده مدافعان حقوق بشر و کاربران شبکه‌های اجتماعی را به دنبال داشت.

بازداشت‌ها، محکومیت‌ها و محرومیت‌های پیروان آیین بهایی موضوعی است که طی سال‌های اخیر در گزارش‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل همواره از آن انتقاد شده است. گزارش‌ها و قطعنامه‌هایی که ایران آنها را «دروغ، مغرضانه و با اهداف سیاسی» توصیف می‌کند.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]